



## درس فارج اصول استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: جمع بین حکم واقعی و ظاهری

تاریخ: ۱۱ مهر ۱۳۹۰

موضوع جزئی: بررسی بخش اول کلام محقق نائینی در دفع محذور تفویت مصلحت

مصادف با: ۵ ذی القعدة ۱۴۳۲

جلسه: ۷

سال: سوم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

### خلاصه جلسه گذشته:

بحث در بررسی کلام محقق نائینی بود، ایشان در بخش اول کلام خود محذور تفویت مصلحت و القاء در مفسده را متوقف بر سه امر کردند، یکی تبعیت احکام از مصالح و مفاسد، دیگری قول به طریقیّت محضه در حجیت امارات و سوم اینکه محذور مختص به حال افتتاح باب علم است و در حال انسداد محذوری وجود ندارد و در بخش دوم از کلامشان راه حلی را برای این محذور ارائه دادند، عرض کردیم ابتناء این محذور بر دو مطلب اول و دوم صحیح است؛ یعنی اگر کسی قائل شد که احکام تابع مصالح و مفاسد نیستند و همچنین اگر کسی در باب حجیت امارات و طرق قول به سببیت را اختیار کرد محذوری پیش نخواهد آمد.

اما در مورد مطلب سوم؛ یعنی اختصاص محذور به حال افتتاح باب علم عرض کردیم امام(ره) اشکالی به محقق نائینی داشتند. محصل اشکال امام(ره) این شد که در این محذور فرقی بین حال افتتاح و حال انسداد نیست چون وقتی مکلف علم اجمالی دارد که شارع تکالیف واقعیه‌ای را برای او مقرر کرده برای اینکه مکلف آن تکالیف را اتیان کند لازم است علم به واقع داشته باشد که فرض این است این علم وجود ندارد پس می‌تواند با احتیاط؛ یعنی اتیان همه احتمالات کاری کند که مصلحت واقع را درک کند، محقق نائینی فرمودند در فرض انسداد باب علم چاره‌ای جز تعبد به ظن نیست برای اینکه اگر تعبد به ظن نشود هیچ خیر و مصلحتی نصیب مکلف نمی‌شود، شارع او را متعبد به ظن می‌کند تا اگر اماره مطابق با واقع نبود به بعضی از مصالح دست پیدا کند؛ به عبارت دیگر اشکال امام(ره) این بود که راه درک مصلحت واقعیه منحصر به تعبد به امارات و ظنون نیست و راه دیگری به نام احتیاط وجود دارد یعنی ما به وسیله احتیاط می‌توانیم به واقع دسترسی پیدا کنیم و اگر احتیاط تام هم ممکن نبود احتیاط ناقص می‌کنیم پس اینچنین نیست که در فرض انسداد محذور برطرف شود بلکه در این فرض هم اگر شارع ما را متعبد به ظنون و امارات کند محذور تفویت مصلحت و القاء در مفسده پیش می‌آید پس مسئله تعبد به ظنون و امارات یک راه اجتناب ناپذیر نیست و راه دیگری به نام احتیاط هم وجود دارد، این اشکالی بود که امام(ره) به محقق نائینی وارد کردند.<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> تنقیح الاصول، ج ۳، ص ۸۴.

## رد اشکال امام(ره) به محقق نائینی:

حال باید ببینیم آیا واقعاً در حال انسداد باب علم، محذور تفویت مصلحت و القاء در مفسده وجود دارد یا نه؟ در حال انسداد دست ما از رسیدن به واقع کوتاه است و نمی‌توانیم به واقع دست پیدا کنیم در این صورت مصالح واقعی را یا از راه احتیاط و یا از راه تعبد به امارات و ظنون استیفاء می‌کنیم، محقق نائینی فرمودند احتیاط امکان ندارد؛ یعنی دو راه در مقابل ما نیست و فقط یک راه وجود دارد و آن هم تعبد به ظنون و امارات است، درست است که احتیاط موجب استیفاء مصالح می‌شود اما چنین احتیاطی؛ یعنی احتیاط تام قطعاً ممکن نیست چون چنین احتیاطی عسر و حرج و اختلال نظام را در پی دارد و یا اینکه طبق فرمایش محقق نائینی اصلاً ما کاری به عسر و حرج نداریم و شارع از باب تسهیل به مکلفین، احتیاط را واجب نکرده که باز هم فرقی نمی‌کند و در حال انسداد راه احتیاط تام بسته است چه بخاط عسر و حرجی که بر وجوب احتیاط مترتب می‌شود و چه از باب تسهیل احتیاط واجب نشده باشد، احتیاط ناقص هم مانع تفویت مصلحت نیست چون همان چیزهایی را که احتمال وجوبش داده می‌شود و ترک می‌شود ممکن است فی الواقع واجب باشد؛ یعنی همان موهومات که در آنها احتمال حرمت داده می‌شود ممکن است فی الواقع حرام باشند پس احتیاط تام ممکن نیست و احتیاط ناقص هم از این جهت چندان فرقی با تعبد به ظن و اماره نمی‌کند پس اینکه امام(ره) به محقق نائینی اشکال می‌کنند و می‌گویند راه حل منحصر در تعبد به ظنون و امارات نیست و راه دیگری به نام احتیاط هم وجود دارد و از راه احتیاط می‌توان مصالح واقعی را استیفاء کرد سخن صحیحی نمی‌باشد، نتیجه اینکه تا اینجا سخن محقق نائینی و محقق عراقی و بعضی دیگر که بین حال انفتاح و انسداد فرق گذاشته‌اند از این اشکالی که امام(ره) وارد کرده‌اند مصون است.

بالاخره سخن محقق نائینی این است که محذور تفویت مصلحت در حال انفتاح وجود دارد؛ یعنی در حال انفتاح که امکان دسترسی به احکام واقعی و علم به آنها وجود دارد اگر شارع بخواهد به ما اجازه دهد از طرق غیر علمی مثل خبر واحد، ظواهر و امثال اینها طی طریق کنیم موجب تفویت مصلحت و القاء در مفسده خواهد شد اما در فرض انسداد چاره‌ای جز تعبد به ظنون و امارات وجود ندارد پس اشکال امام(ره) به محقق نائینی وارد نیست.

تا اینجا سخن محقق نائینی این شد که می‌فرمایند محذور تفویت مصلحت و القاء در مفسده منحصرأ در صورت انفتاح باب علم مطرح می‌شود و در صورت انسداد اصلاً محذوری وجود ندارد تا بخواهیم آن را برطرف کنیم چون احتیاط ممکن نیست و چاره‌ای جز تعبد به ظنون و امارت وجود ندارد و اگر تعبد به ظنون و امارات نباشد مکلف هیچ مصلحتی را بدست نمی‌آورد ولی با تعبد به ظنون و امارات لااقل مقداری از مصالح را استیفاء می‌کند، لذا به نظر می‌رسد از این جهت سخن محقق نائینی صحیح باشد.

**اشکال:** اینکه محقق نائینی محذور تفویت مصلحت را منحصر به حال انفتاح کرده‌اند صحیح نمی‌باشد و فرقی بین حال انفتاح و حال انسداد نیست؛ یعنی همان گونه که در زمان انسداد باب علم احتیاط ممکن نیست در حال انفتاح هم احتیاط ممکن نیست بخاطر اینکه استدلال ایشان این بود که چون در حال انسداد احتیاط امکان ندارد چاره‌ای جز تعبد به امارات

و ظنون وجود ندارد عرض می‌کنیم در حال انفتاح هم عیناً همین حرف را می‌زنیم چون در حال انفتاح هم مثل حال انسداد احتیاط و رسیدن به واقع برای اکثر مردم امکان ندارد چون برای همه مردم امکان ندارد که نزد امام(ع) بروند و مسائل و احکام را سؤال کنند تا حکم واقعی را بفهمند.

**پاسخ:** محقق نائینی می‌گویند مراد از انفتاح، فعلیة الوصول نیست بلکه مراد امکان الوصول است، پس منظور از انفتاح این نیست که حتماً علم او مصادف با واقع باشد؛ یعنی مراد این نیست که مکلف خدمت امام(ع) رسیده باشد و حکم واقعی را سؤال کرده باشد بلکه مراد از انفتاح، امکان الوصول؛ یعنی امکان سؤال از امام(ع) است، لذا ایشان مدعی است در زمان انفتاح باب علم هم خطا و اشتباه زیاد است و اینگونه نیست که علم صد در صد مطابق با واقع باشد چون امکان الوصول ملاک است نه فعلیت الوصول؛ یعنی اگر در همین فرض انفتاح کسی نرفت از امام معصوم(ع) سؤال کند با اینکه باب علم منفتح است ولی ممکن است فعلیت برای او حاصل نشود و به طرق علمی اخذ کند ولی در عین حال اشتباه هم بکند، پس انفتاح باب علم لزوماً به معنای اصابه به واقع نیست بلکه انفتاح باب علم؛ یعنی امکان الوصول است ولی در عین حال امکان اشتباه و خطا حتی در علم و قطع هم وجود دارد.

#### **اشکال به محقق نائینی:**

در امر سوم که محقق نائینی محذور را مبتنی بر انفتاح باب علم کردند مرحوم آقای بروجردی و به تبع ایشان مرحوم آقای خوبی فرموده‌اند: اساساً انفتاح باب علم مجرد یک فرض است و واقعی برای آن نیست چون امارات و طرق منحصر به احکام نیست و در موضوعات نیز که دایره آن‌ها وسیع‌تر از احکام می‌باشد ما را متعبد به امارات و ظنون کرده‌اند چون برای هر موضوعی امکان ندارد مکلف نزد امام(ع) برود تا واقع را بفهمد و اصلاً چنین چیزی ممکن نیست لذا به نظر می‌رسد که حق این است که انفتاح باب علم مجرد یک فرض است و اگر مجرد فرض است و واقعییتی ندارد معنا ندارد بگوییم محذور، منحصر به باب انفتاح است.

پس این مسئله که ما محذور تفویت مصلحت و القاء در مفسده را منحصر به فرض انفتاح باب علم کنیم و بگوییم در فرض انسداد، این محذور وجود ندارد با توجه به اینکه فرض انفتاح هم صرف یک فرض است و واقعییتی ندارد می‌توانیم مدعی شویم که فرقی بین حال انفتاح و انسداد نیست، عمده این است که محقق نائینی خواستند بین حال انسداد و انفتاح فرق بگذارند و این مطلب که حال انفتاح مجرد یک فرض است زمینه فرق گذاری بین حال انفتاح و انسداد را از بین می‌برد.

البته محقق نائینی مطلبی را ذکر کرده‌اند که صحیح می‌باشد و آن اینکه بر فرض انفتاح باب علم شارع امارات غیر علمیه را بر اساس مصلحت تسهیل معتبر کرده؛ یعنی از باب تسهیل بر مردم به آن‌ها اجازه داده به امارات غیر علمی اعتماد کنند چون اگر قرار بود که در فرض انفتاح هر کسی از امام(ع) سؤال کند خیلی مشکل بود ولو اینکه مستلزم عسر و حرج هم نباشد چون شارع خواسته بر مردم آسان بگیرد لذا اجازه داده مردم حتی در زمان انفتاح باب علم هم به امارات غیر علمیه و طرق ظنیه اعتماد کنند.

«والحمد لله رب العالمین»